

بررسی آماری رابطه بین تعدد واحدهای قدرت شامات و ثبات سیاسی در منطقه از سال ۴۷۱ تا ۶۹۵ق

شکرالله خاکرند^۱

مهدی محمدی قناتغستانی^۲

چکیده

حملات سلجوقیان به منطقه شام، به طور منسجم در زمان سلطان ملک‌شاه صورت گرفت. تصرف شام به دست سلجوقیان در تعاقب حملات ترکمانان و فرماندهان ترک به مرزهای شامی فاطمیان بود. پس از مرگ ملک‌شاه، درگیری‌های جانشینی وی و قدرت‌یابی فرماندهان محلی باعث شکل‌گیری حکومت‌های متعدد در شام شد که عموماً حکام آنها نیز پس از مدتی کوتاه تغییر می‌کردند. این عوامل باعث ایجاد بی‌ثباتی در جهان اسلام و تضعیف آن در سواحل شرقی مدیترانه شد، چنان‌که توان مقابله با مهاجمان صلیبی را از آنها گرفت. تضعیف قوای مسلمانان توسط یکدیگر و حملات صلیبیان موجب شد این حکومت‌ها به تدریج ضعیف و نابود شوند. اتابکان زنگی توانستند با از بین بردن حکومت‌های ضعیف باقی‌مانده، سراسر این منطقه را در اختیار گیرند.

این پژوهش، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که بین تعدد واحدهای تشکیل دهنده قدرت در شام و ثبات سیاسی در این برهه زمانی چه ارتباطی حاکم است و چه مسئله‌ای موجب تحول شرایط سیاسی از تزلزل به ثبات شد؟ روش تحقیق، بر اساس کاربرد علم آمار در تاریخ‌نگاری صورت گرفته که در آن، داده‌های آماری بر یک بستر زمانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و دیگر عوامل مؤثر در بی‌ثباتی و ضعف آن در این‌جا مد نظر نخواهند بود.

واژگان کلیدی: سلجوقیان، شام، حلب، سلجوقیان شام، اتابکان زنگی، آل ارتق، آل بوری.

۱. استادیار تاریخ اسلام دانشگاه شیراز. khakrand@shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) Mahdi_550bc@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۸ پذیرش: ۹۵/۰۲/۰۱

مقدمه

سلجوقیان در ادامه فتوحات خود در ایران، پس از گذشتن از مناطق غربی ایران، به بغداد رسیدند و سپس به مرزهای جزیره و شام لشکرکشی کردند (بنداری، ۲۵۳۶: ۴۵). نزدیکی این مرزها به سرزمین‌های روم و نیز خصومت‌های آنان با خلافت فاطمی مصر، باعث شد منطقه شام به عنوان یکی از اهداف مهم برای سلجوقیان درآید. پیش از فتوحات رسمی و گسترده سلجوقیان در این منطقه، فرماندهان ترک و ترکمان، مانند آتسز به حملاتی در شام دست زده بودند و حتی قلمرو خود را تا حدود مصر نیز گسترش داده بودند (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳: ۱۷۶)؛ اما از سال ۴۷۱ق، با لشکرکشی تتش بن آلب ارسلان به دمشق، توسعه سرزمینی سلجوقیان به شام آغاز شد.

مرحله بعدی فتوحات سلجوقیان در شام هنگامی رخ داد که سلطان ملک‌شاه با فراغت از شورش‌های شرق حکومت، در سال ۴۷۷ق به غرب و شام روی آورد (بنداری، ۲۵۳۶: ۷۹؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ج ۱۰، ۱۳۴). در این مرحله، شهرهای شام بین امرای بزرگ سلجوقی تقسیم شده و کم‌کم امرای عرب منطقه از بین رفتند. تنها بنی‌منقذ در شیزر که از سال ۴۷۴ق و بنی‌عمار در طرابلس که از سال ۴۶۲ق حکومت خود را تأسیس کرده بودند با ورود سلجوقیان به منطقه به حیات خود ادامه دادند. این دو حکومت با در دست داشتن منطقه‌ای محدود، ولی راهبردی، توانستند مدتی نسبتاً زیاد را با ثبات طی کنند و با حکام سلجوقی شام، رابطه‌ای مسالمت‌آمیز برقرار نمایند. قسیم‌الدوله آق سنقر در حلب، امیر بوزان در رها و امیر یاغیسیان در انطاکیه از جمله حکام سلجوقی بودند که از سال ۴۷۸ق در مناطق شمالی شام تسلط یافتند (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۱). این افراد به همراه تتش - که دمشق و نواحی جنوبی شام را در دست داشت - با یکدیگر غالباً روابطی خصمانه داشتند و تنها زمانی که سلطان قدرتمند سلجوقی در قید حیات بود، مانع از آن می‌شد که این خصومت‌ها جنبه نظامی به خود بگیرند. این امر نیز محتمل است که سلطان سلجوقی برای عدم یکپارچگی شام به گونه‌ای به تعیین امرای این منطقه پرداخت که تجمع قوا را از آنها سلب نماید.

پس از مرگ ملک‌شاه، بی‌ثباتی بلندمدتی بر منطقه شام حاکم شد که در پی آن، حکومت‌های اسلامی شام تضعیف شدند و زمینه برای پیش‌روی صلیبیان فراهم گردید



و تا زمانی که تسلط آنها در منطقه قوام یافت، حکومت‌های اسلامی یکپارچه نشدند. دلیل این بی‌ثباتی سیاسی، غالباً حکومت کردن چندین واحد تشکیل دهنده قدرت در ناحیه‌ای کوچک، به صورت هم‌زمان در یک بازه زمانی و تکیه زدن حکام آنها در مدتی اندک بر کرسی قدرت بود. این امر موجب سلب شدن اتحاد و تمرکز قوا از حکومت‌های اسلامی شد و تغییر زود هنگام حاکمان این حکومت‌ها نیز باعث هرج و مرج در فضای سیاسی شام گردید. این حکومت‌ها از بدو تأسیس، به رقابت با هم پرداختند و با تضعیف تدریجی، یکدیگر را از عرصه سیاسی خارج کردند. این روند تضعیف تا سال ۵۲۱ق ادامه یافت تا این‌که عمادالدین زنگی توانست با حذف دول موجود، قدرت را در جزیره و شام به دست گیرد. سلسله اتابکان زنگی مدت‌زمانی نسبتاً طولانی^۱ بدون تشتت قدرت - چه در امر حکومت و چه در امر جانشینی - حکومت کرد. این ثبات تا حدی نیز برآمده از توارث قدرت بود که در دوره هرج و مرج، عملاً ناممکن می‌نمود.

این پژوهش با بررسی حکومت‌های شام سال ۴۷۱ تا ۵۶۹ق (سال وفات نورالدین محمود زنگی) و تعداد سال‌های فرمانروایی حکام آن سرزمین، با صرف‌نظر کردن از سایر علل منتج به تضعیف قوای اسلامی، به تبیین آماری بی‌ثباتی سیاسی شام در این مقطع می‌پردازد. گرچه مورخان بر بی‌ثباتی آن منطقه در ابتدای شروع جنگ‌های صلیبی اتفاق نظر دارند، اما یک بررسی آماری می‌تواند گویای واقعیتی صریح باشد. با توجه به مطالب یادشده، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که بین تعداد واحدهای تشکیل دهنده قدرت در شام و ثبات سیاسی در این برهه زمانی، چه ارتباطی حاکم است؟ و چه امری موجب تحول شرایط سیاسی، از تزلزل به ثبات شد؟ فرض محقق بر آن است که تعدد حکومت‌های شام و تعویض زود هنگام حکام آنها، یکی از علل بی‌ثباتی سیاسی شام بود. از این‌رو بین تعداد حکومت‌ها و سال‌های فرمانروایی حاکمان آن با ثبات سیاسی منطقه، رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ چنان‌که هرچه میزان حکومت‌ها بیشتر باشد، ثبات سیاسی کمتر بوده و هرچه تعداد حکومت‌ها

۱. از سال ۵۲۱ق، سال به حکومت رسیدن عماد الدین تا سال ۵۶۹ق، سال مرگ نورالدین محمود زنگی.

کمتر باشد، ثبات سیاسی بیشتر است. این تزلزل سیاسی موجب تضعیف حکومت‌های شام شد و زمینه را برای استقرار دولتی باثبات فراهم کرد.

تعدد واحدهای تشکیل دهنده قدرت معارض،^۱ موجب هرج و مرج سیاسی می‌شود و هنگامی که والیان با کمتر از ده سال حکومت تعویض گردند، هرج و مرج به داخل این حکومت‌ها نیز سرایت می‌کند. از این‌رو بررسی آماری، شامل اطلاعات آماری حکومت‌ها و تعداد افراد حاکم آنها خواهد بود. در برخی حکومت‌ها مانند آل بوری، در برهه‌ای آمد و شد حکام کم است و فرمانروایان بیش از ده سال حکومت می‌کنند. در این مواقع اگرچه ممکن است حکومت یادشده از ثبات برخوردار باشد، ولی آمد و شد حکام در ملوک هم‌جوار، همچنان جاری است و این ثبات، به صورت مقطعی و محدود به یک جغرافیای کوچک از این خطه است.

حکومت‌های اسلامی که مستقیماً با نیروی نظامی در عرصه سیاست این دوره شام حضور داشتند، به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: ۱. حکومت‌هایی که از داخل شام برخاسته و در منطقه‌ای از آن تشکیل می‌شدند؛ ۲. حکومت‌هایی که از مناطق مجاور به شام آمدند و قدرت را در مناطقی از آن دیار در دست گرفتند. حکام جزیره از جمله این حاکمان به شمار می‌روند. آنان بیشترین حکومت‌های خارجی حاضر در عرصه سیاسی شام بودند؛ چرا که مصر در آن زمان به شدت درگیر کشمکش‌های وزرای فاطمی بود و کمتر به مرزهای شمال می‌پرداخت. از طرف مرز شمال نیز تنها چند ماهی قلیچ ارسلان اول در سال ۵۰۰ق توانست در شام اعمال نفوذ کند. از این‌رو حکام جزیره در فضای سیاسی شام، نقشی تعیین‌کننده داشتند. اتابکان زنگی نیز که در شام نسبت به عراق، دارای نقشی فعال‌تر بودند، از جزیره برخاستند. نزدیکی جغرافیایی جزیره با حلب موجب شد تعدادی از فرمانروایان حلب، از حاکمان جزیره باشند.

در بازه زمانی این پژوهش، حکومت‌های بسیاری وجود داشته‌اند که مدت حکمرانی فرمانروایان آنها گاه کمتر از یک سال بوده است. از این‌رو میزان حکومت حاکمانی که کمتر از یک سال بر مسند قدرت بوده‌اند با «ماه» مشخص گردیده و سایر حکام با تعداد

۱. این لفظ اعم از حکومت‌هاست؛ چرا که قبایل نیز که حکومتی در اختیار نداشتند، قدرت منطقه‌ای به شمار می‌آمدند.

سال‌های حکومتشان متمایز شده‌اند. برای آن‌که از میان منابع، سال‌های دقیق فرمانروایی افراد به دست آید، دشواری‌هایی وجود داشت. منابع عمده این پژوهش، *الکامل و التاریخ الباهر* ابن اثیر و تواریخ محلی شام مانند *تاریخ دمشق* ابن قلانسی و ابن عساکر و تاریخ‌هایی درباره حلب مانند *بغیة الطلب فی تاریخ حلب* و امثال آن‌اند.

سلجوقیان بر دروازه شام

توسعه قلمرو سلجوقیان در غرب ایران و مناطق آذربایجان و آناتولی، نگرانی دولت بیزانس را برانگیخت.^۱ امپراتوری بیزانس از چندی پیش برای تسلط بر شام با فاطمیان تعارض داشت. با قدرت یافتن سلجوقیان در شرق و برهم خوردن نظم سیاسی پیشین، فرصتی برای حمله بیزانس به سرزمین‌های شمالی شام فراهم شد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ج ۱۰، ۶۱؛ اصفهانی، ۲۰۰۴: ۲۰۵) این اقدام رومانوس دیوجانوس - امپراتور بیزانس - باعث توجه بیشتر سلجوقیان به شام گردید؛ چرا که تسلط بیزانس بر شمال شام، مسیر ارتباطی جزیره به آن سرزمین را مسدود می‌کرد و عملاً دست سلجوقیان از شام و مصر کوتاه می‌شد. از این‌رو سلطان آلب ارسلان در سال ۴۶۳ق اقدامات خود را برای تصرف شام آغاز کرد (بنداری، ۲۵۳۶: ۴۵). نخستین گام آلب ارسلان حلب بود؛ مهم‌ترین شهر شام پس از دمشق که به مسیر جزیره، آناتولی و جنوب شام اشراف داشت. تصرف حلب موجب رویارویی امپراتور روم با آلب ارسلان شد. نبرد ملازگرد با پیروزی سلجوقیان همراه بود، اما مشکلات در شرق، مانع از ادامه فتوحات سلجوقیان در شام گردید. یکی از فرماندهان سلجوقی به نام اتسز، مدتی به تاخت و تاز در شام پرداخت (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ج ۱۰، ۶۸)، ولی از سال ۴۶۳ تا ۴۷۰ق، سلجوقیان به دلیل گرفتاری در شرق و شورش‌های داخلی، به سمت شام حرکت نکردند.

فتوحات سلجوقیان در شامات از زمان سلطان ملک‌شاه آغاز شد. در سال ۴۷۱ق سلطان ملک‌شاه برادرش تتش بن آلب ارسلان را به شام فرستاد که با کمک آتسز، دمشق را به تصرف درآورد. وی پس از فتح دمشق، آتسز را به قتل رساند (ابن کثیر، ۱۹۸۶: ج ۱۲، ۱۱۹). از این زمان به بعد، حکومت‌های متعددی در شام تشکیل شد.

۱ پیش از این نیز قبایل ترکمان به سمت شام آمده بودند (برای آگاهی بیشتر، نک: مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۰).

اولین این دولت‌ها، سلجوقیان شام بود و پس از آن به حکم سلطان ملک‌شاه، هر یک از سرداران سلجوقی در منطقه‌ای به حکومت پرداختند. این حکومت‌ها بدین قرار بودند: قسیم الدوله آق سنقر در حلب، امیر بوزان در رها و امیر یاغیسیان در انطاکیه. حکام ترک سایر حکومت‌های شام نیز که توانسته بودند با سلجوقیان رابطه‌ای مناسب برقرار نمایند، حکومت خود را حفظ کردند که از آن جمله می‌توان به بنی‌عمار در طرابلس و بنی‌منقذ در شیزر اشاره نمود.

این حکومت‌ها تا زمانی که سلطان ملک‌شاه در قید حیات بود، روابطی نسبتاً پایدار داشتند، اگرچه از همان زمان نیز نشانه‌های تفرقه میان آنها کاملاً مشهود بود؛ اما با مرگ ملک‌شاه این ثبات ناپایدار از هم پاشید (Belotto, 2014: 48). در گام اول، تتش علیه برادرزاده خود - برکیارق - شورید و پس از پیوستن بوزان و آق سنقر به برکیارق، در نبردی نزدیک حلب، این دو امیر شام را از میان برداشت (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۰۸). تتش نیز پس از این پیروزی، چندان عمر نکرد و در لشکرکشی دوم علیه سلطان برکیارق کشته شد (بنداری، ۲۵۳۶: ۹۶). در نتیجه کشته شدن تتش، حکومت وی در شام به دو قسمت حلب و دمشق تقسیم شد. حکومت حلب و رها از آن رضوان بن تتش شد و حکومت دمشق و توابع آن در اختیار دقاق بن تتش قرار گرفت (ابن‌عدیم، بی‌تا: ج ۸، ۳۶۶). امیر یاغیسیان در انطاکیه به علت روابط خوب با تتش و پسرش رضوان توانست تا سال ۴۹۱ق حکومت کند و سرانجام در حمله صلیبیان به انطاکیه، حکومت وی نیز از بین رفت (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۲۰). دقاق بن تتش نیز در سال ۴۹۷ق درگذشت (ابن‌عدیم، ۱۴۲۵: ج ۱، ۳۶۲) و فرزند وی تتش دوم نیز کمی بعد مُرد. اتابک وی - ظهیرالدین طغتگین - حکومت دمشق را در دست گرفت و اولین حکومت اتابکان را در شام بنا نهاد که تا سال ۵۴۹ق دوام یافت. این سلسله را به نام پسر طغتگین، تاج الملوک بوری، آل بوری نام نهادند (باسورث، ۱۳۸۱: ۳۶۶). در سال ۵۱۱ق سلجوقیان شام در حلب نیز از میان رفتند و جای خود را به ارتقیان حلب دادند. ارتقیان نیز تنها هفت سال توانستند بر این شهر حکومت کنند. در سال ۵۱۸ق آق سنقر برسقی حاکم موصل، توانست حکومت حلب را در دست گیرد (ابن‌عدیم، بی‌تا: ج ۴، ۱۹۶۳).

پس از مرگ تتش بن آلب ارسلان، حکومت موصل نیز مستقل شد و تا به قدرت رسیدن عمادالدین زنگی در سال ۵۲۱ق، هشت حاکم به خود دید. این حکام اگر می توانستند بیش از پنج سال حکومت کنند، به شام لشکرکشی می کردند؛ چرا که اوضاع شام بیش از جزیره و موصل آشفته بود و تسلط بر آن میسر می نمود. به جز فرمانروایان و سلسله های یادشده، گاه فرماندهان نظامی، بدون آن که مشروعیتی از سوی خاندان های سلجوقی داشته باشد، مدتی قدرت را به دست می گرفتند.

در سال ۵۲۱ق عماد الدین بن آق سنقر (قسیم الدوله) از طرف سلطان محمود سلجوقی، حاکم جزیره و شام شد. وی و فرزندش نورالدین توانستند با متحد کردن منطقه، دول کوچک آن را حذف نمایند. این امر سبب شد قدرت آنها علاوه بر منطقه شام، در مصر نیز گسترش یابد و تا سال ۵۶۹ق حکومت خود را مستدام دارند. حال با توجه به مطالب یادشده حکومت های شام و فرمانروایان آنها را از ورود سلجوقیان به این سرزمین تا مرگ نورالدین محمود بررسی می کنیم.

حکومت های شام

۱. سلجوقیان شام

سلجوقیان شام توسط تتش بن آلب ارسلان در ۴۷۱ق بنیان گذاشته شد. وی به علت خویشاوندی با خاندان سلطنتی نسبت به سایر فرماندهان سلجوقی شام، جایگاهی ممتاز داشت. او در بدو امر، آتسز^۱ - فرمانده ترکمانان شام - را از میان برداشت (اصفهانی، ۲۰۰۴: ۵۸). قدرت وی در جنوب شام با مرکزیت دمشق، با حکام سلجوقی شمال شام در تعارض بود. تتش پیش از وفات، توانست رقیبان اصلی را از میان بردارد که از آن جمله می توان به قتل قسیم الدوله آق سنقر و امیر بوزان و نیز اسیر کردن کربوقا اشاره کرد. وی پس از انجام این امور، اندک زمانی زنده ماند و در سال ۴۸۸ق در نبرد با برکیارق کشته شد (بنداری، ۲۵۳۶: ۹۶). او ۱۷ سال حکومت کرد و با این که هدفش تسلط بر کل شام بود، اما اقداماتش نتیجه معکوس به بار آورد. کشتن امیران زبده و قوی شام و مرگ زودهنگام وی، باعث هرج و مرج شدن اوضاع سیاسی شام شد.

۱. در منابع عربی از آتسز با نام آقسیس نیز یاد شده است.

پس از وی، حکومت سلجوقیان در شام بین دو فرزندش تقسیم شد؛ رضوان در حلب و دقاق در دمشق.

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	تتش بن آلب ارسلان	۴۷۱	۴۸۸	۱۷ سال
۲	رضوان بن تتش	۴۸۸	۵۰۷	۱۹ سال
۳	دقاق بن تتش	۴۸۸	۴۹۷	۹ سال
۴	آلب ارسلان بن رضوان	۵۰۷	۵۰۸	۱ سال
۵	تتش بن دقاق	رمضان ۴۹۷	ذی الحجه ۴۹۷	۴ ماه
۶	سلطان شاه بن رضوان	۵۰۸	۵۱۱	۳ سال

الف) سلجوقیان حلب

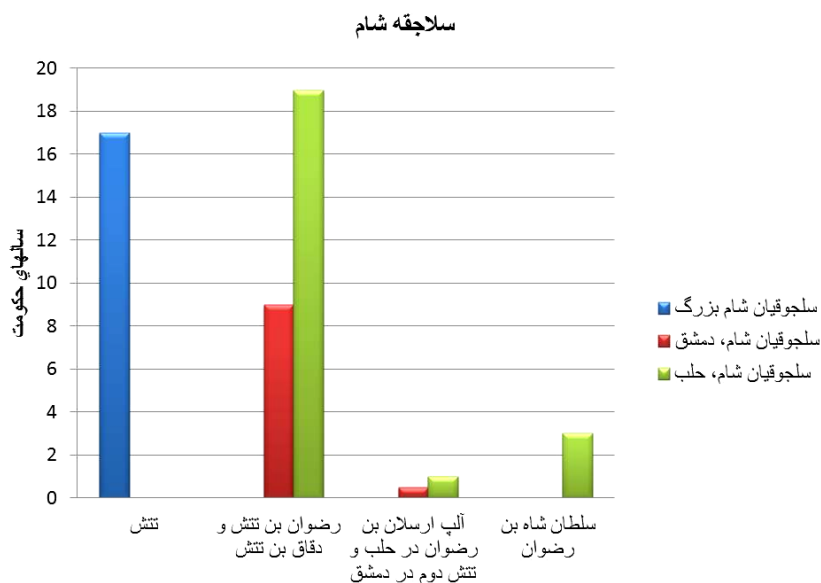
رضوان پس از مرگ پدر خود، بر ماترک شمالی وی تسلط یافت. حکومت او تا سال ۵۰۷ق شامل حلب و نواحی اطراف آن می‌شد. سرزمین رها نیز در ابتدا از آن وی بود، اما پس از آن فردی از مردم آن‌جا بر رضوان شورید و کمی بعد، این شهر تسلیم بالدوین صلیبی شد (رانسیمان، ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۷۱). حکومت ۱۹ ساله رضوان نسبت به دوران پدر وی اقتداری اندک داشت. اختلاف او با برادرش باعث شد نه تنها قدرتی یکپارچه تشکیل ندهند و منافع یکدیگر را به رسمیت نشناسند، بلکه هنگام ورود صلیبیان به شام، علیه دقاق با آنها متحد شوند. گرایش‌های اسماعیلی وی و ناتوانی در دفاع از شهر حلب (نک: ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۳۰) باعث گردید حکومتی متزلزل برای اخلافش بر جای بگذارد. رانده شدن جماعت احداث^۱ از گرد او و بی‌لیاقتی جانشینانش در جمع‌آوری گروه‌های مجاهد مردمی، به زوال این حکومت کمک کرد. آلب ارسلان بن رضوان، یک سال و سلطان‌شاه بن رضوان، سه سال بر حلب حکومت کردند. با مرگ سلطان‌شاه، مردم حلب از ترس صلیبیان، شهر را به نجم‌الدین ایلغازی تحویل

۱. گروه‌های فتیان و عیاران را در این مقطع زمانی در شام، احداث می‌نامیدند.

دادند (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ج ۱، ۳۸۴) بدین ترتیب حکومت ۲۳ ساله سلجوقیان شام، شاخه حلب، برپیده شد.

ب) سلجوقیان دمشق

دقاق فرزند کوچک تتش در نبردی که پدرش در آن کشته شد حضور داشت و با کمک یکی از امرا توانست خود را به حلب نزد برادرش برساند. وی چندی بعد شبانه از حلب عازم دمشق شد و با تصرف آن شهر، حکومتی مستقل تشکیل داد (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۱۷، ۳۰۴). حکومت وی در دمشق تا سال ۴۹۷ق ادامه یافت و در این مدت، بیشتر امور در دست شوهر مادرش - اتابک طغتگین - بود. پس از مرگ وی، طغتگین مدتی به نام فرزند یک ساله وی خطبه خواند و سرانجام به نام خود در دمشق حکومت کرد (همو: ۳۰۵).



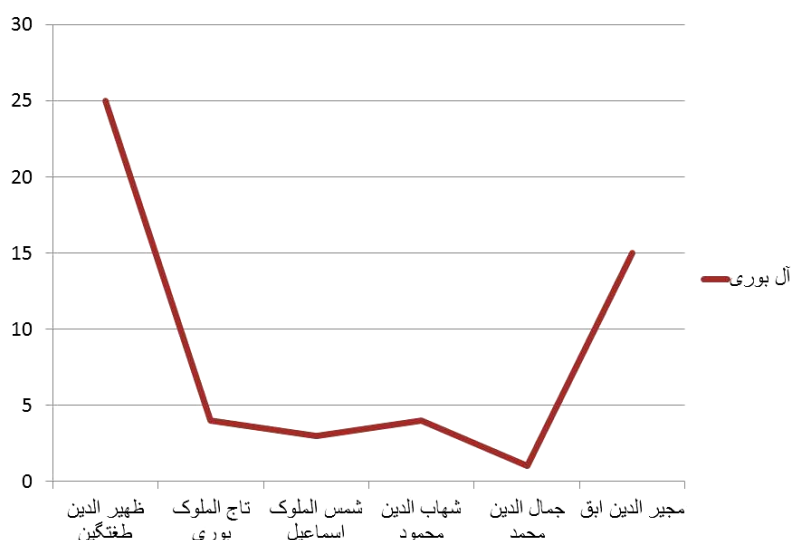
سلجوقیان شام از سال ۴۷۱ تا سال ۵۱۱ق حکومت کردند و میانگین حکومت آنها شش سال بود. به جز تتش، سایر حکام سلجوقی شام، قدرت‌های کوچک محلی بودند که با وجود حکومت طولانی مدت بعضی از آنها مانند رضوان، نتوانستند برای خود پایگاهی مستحکم فراهم کنند. از این رو نخست پس از مرگ مؤسس این سلسله

حکومت آنها به دو بخش تقسیم شد. سپس شاخه دمشق آن نیز پس از مرگ اولین جانشین تنش از میان رفت. حکومت حلب نیز پس از رضوان با نوسانات زیادی برای جانشینی روبه‌رو شد و دو حاکم پس از وی، جمعاً چهار سال حکومت کردند.

۲. آل بوری

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	ظهیر الدین طغتكین	۴۹۷	۵۲۲	۲۵ سال
۲	تاج الملوك بوری	۵۲۲	۵۲۶	۴ سال
۳	شمس الملوك اسماعیل	۵۲۶	۵۲۹	۳ سال
۴	شهاب الدین محمود	۵۲۹	۵۳۳	۴ سال
۵	جمال الدین محمد	۵۳۳	۵۳۴	۱ سال
۶	مجیر الدین ابق	۵۳۴	۵۴۹	۱۵ سال

آل بوری توسط طغتكین - پدر بوری - در سال ۴۹۷ق در دمشق تشکیل شد. این حکومت در اوایل تشکیل خود در زمان طغتكین، نسبت به سایر حکومت‌های شام، ثبات بیشتری داشت و توانست در برابر قوای صلیبیان نیز پیروزی‌هایی به دست آورد (طباخ، ۱۳۷۰: ج ۱، ۳۶۶). اما پس از مرگ وی، پنج نفر از جانشینانش تا سال ۵۴۹ق حکومت کردند که میانگین حکومت آنها تقریباً پنج سال و نیم بود. آخرین فرد این خاندان، مجیرالدین ابق ۱۵ سال حکومت کرد که در این مدت نیز عملاً حکومت در دست فرمانده وی بود (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ج ۱، ۱۷۲). معین‌الدین انر - فرمانده نظامی دمشق - با تدبیر خود توانست حکومت را برای مجیرالدین ابق نگه دارد، اما پس از مرگ وی زوال حکومت بوری نزدیک شد. به حکومت رسیدن سه فرزند بوری و عدم جانشینی به صورت توارث - که برگرفته از سنت حکومت ایللی سلجوقی بود - نیز یکی دیگر از عوامل تزلزل این حکومت به شمار می‌رود. این شکل عدم توارث - عاملی که باعث شد این حکومت تا زمان نورالدین محمود زنگی باقی بماند - توازن قوایی بود که بین نیروهای مسلمان شام و صلیبیان وجود داشت.

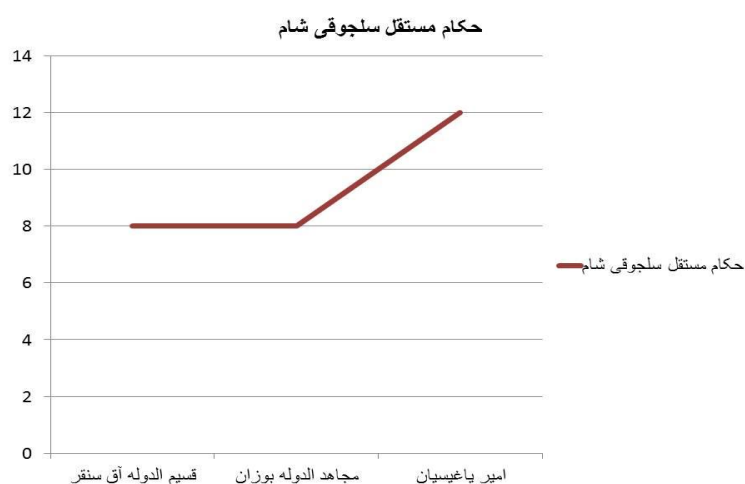


۳. حکام مستقل شام

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	قسیم الدوله آق سنقر	۴۷۹	۴۸۷	۸ سال
۲	مجاهد الدوله بوزان	۴۷۹	۴۸۷	۸ سال
۳	امیر یاغیسیان	۴۷۹	۴۹۰	۱۲ سال

با شروع فتوحات سلطان ملک‌شاه سلجوقی در شام از سال ۴۷۹ق تعدادی از فرماندهان عالی‌رتبه وی در شهرهای این منطقه ساکن شدند (نک: الغزی، ۱۴۱۹: ج ۳، ۶۸). این فرماندهان عبارت بودند از: قسیم الدوله آق سنقر در حلب، امیر بوزان در رها و امیر یاغیسیان در انطاکیه. این حکام در ظاهر تابع تتش بودند، اما غالباً در تعارض با وی عمل می‌کردند. قرار دادن این افراد در این منطقه از سوی سلطان ملک‌شاه تا حدی

نیز به این دلیل بود که مانع از قدرت‌گیری تنش در شام شود (ضامن، ۱۹۸۸: ۱۹۱). از میان این سه امیر، تنها یاغیسیان با تنش رابطه‌ای حسنه داشت و توانست تا سال ۴۹۱ق حکومت خود را حفظ کند. دو حاکم دیگر در نبرد سال ۴۸۷ق به دست تنش کشته شدند (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ج ۱، ۵۶). اقتدار این افراد به‌ویژه در حکومت‌داری، مناسب منطقه بود؛ اما با کنار زده شدن آنها، تنها هشت سال پس از حکومت و مرگ تنش، قدرت غالب آنان منطقه از میان رفت و زمینه برای تعویض زود هنگام حکومت‌ها و حکام فراهم شد.



۴. ارتقای حلب و سایر حکمرانان آن تا سال ۵۲۱ق

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالیهای حکومت
۱	ایلغازی بن ارتق	۵۱۱	۵۱۶	۵ سال
۲	سلیمان بن عبدالجبار	۵۱۶	۵۱۷	سال
۳	بلک بن بهرام	۵۱۷	۵۱۸	سال
۴	تمرتاش بن ایلغازی	ربیع الاول ۵۱۸	ذی الحجه ۵۱۸	۱۰ ماه



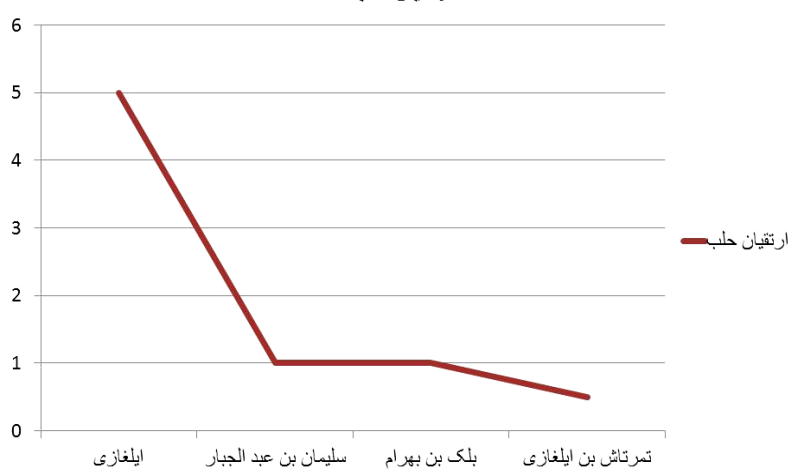
در سال ۵۱۱ق، ایلغازی بن ارتق جانشین سلطان‌شاه بن رضوان در حلب شد. دلیل آن نیز - چنان‌که به صراحت در منابع ذکر شده - آن بود که چون مردم حلب از تسلط صلیبیان بر آن شهر بیم داشتند، از ایلغازی دعوت کردند این شهر را به تصرف درآورد (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ج ۱، ۳۸۴). حکام ارتقی حلب چهار نفر بودند که میانگین حکومت هر یک از آنان کمتر از دو سال بود. تنها تمرتاش بن ایلغازی بود که پس از سلیمان بن عبدالجبار و بَلک بن بهرام، از طریق توارث به حکومت رسید. به‌جز ایلغازی، سایر اخلاف وی در حلب تقریباً کمتر از یک‌سال حکومت کردند و پس از آن حکومت حلب را به حکام جزیره وانهادند.

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	قسیم الدوله آق سنقر	۴۷۹	۴۸۷	۸ سال
۲	تتش بن آلب ارسلان	۴۸۷	۴۸۸	۱ سال
۳	رضوان بن تتش	۴۸۸	۵۰۷	۱۹ سال
۴	آلب ارسلان بن رضوان	۵۰۷	۵۰۸	۱ سال
۵	سلیمان شاه بن رضوان	۵۰۸	۵۱۱	۳ سال
۶	ایلغازی بن ارتق	۵۱۱	۵۱۶	۵ سال
۷	سلیمان بن عبدالجبار	۵۱۶	۵۱۷	۱ سال
۸	بلک بن بهرام	۵۱۷	۵۱۸	۱ سال
۹	تمرتاش بن ایلغازی	ربیع الاول ۵۱۸	ذی الحجه ۵۱۸	۱۰ ماه
۱۰	آق سنقر برسقی	۵۱۸	۵۲۰	۲ سال
۱۱	مسعود بن برسقی	۵۲۰	۵۲۱	۱ سال
۱۲	ختلغ ابه	جمادی الاخر ۵۲۱	شوال ۵۲۱	۶ ماه
۱۳	سلیمان بن عبدالجبار	شوال ۵۲۱	ذی الحجه ۵۲۱	۳ ماه
۱۴	ابراهیم بن رضوان	ذی الحجه ۵۲۱	جمادی الثانی ۵۲۲	۳ ماه
۱۵	عمادالدین زنگی	جمادی الثانی ۵۲۲	۵۴۱	۲۰ سال
۱۶	نورالدین محمود؛ نگر	۵۴۱	۵۶۹	۲۸ سال

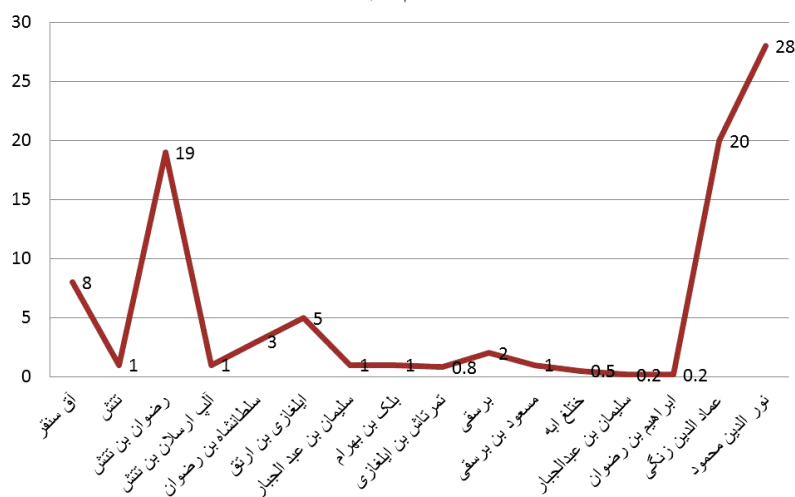
سلیمان بن عبدالجبار، دو سال پس از حکومت تمرتاش تنها چند ماه بر حلب حکومت کرد و دوباره آن را به حکام موصل واگذار نمود. حلب پس از مرگ رضوان، آشفته‌ترین دوران خود را تجربه کرد. طی ۱۴ سال از سال ۵۰۷ تا ۵۲۱ق، ۱۱ حاکم بر این منطقه حکومت کردند؛ یعنی به طور متوسط هر فرد کمتر از یک سال و سه ماه. تنها با به قدرت رسیدن عمادالدین زنگی در سال ۵۲۱ق، ثبات به این منطقه راهبردی شام بازگشت. عمادالدین و فرزندش نورالدین، ۴۸ سال بر این منطقه حکومت

کردند که دو برابر دوره ۱۱ حاکم پیشین بود و تا حد زیادی به این علت توانستند در مقابل صلیبیان، دستاوردهایی چشم‌گیر داشته باشند. به جز عمادالدین و فرزندش، تنها مسعود بن برسقی بود که از طریق توارث قدرت را در این شهر به دست گرفت که آن نیز چند ماهی بیشتر بر این شهر حکومت نکرد (همو: ۴۲۹).

ارتقیان حلب



حکام حلب



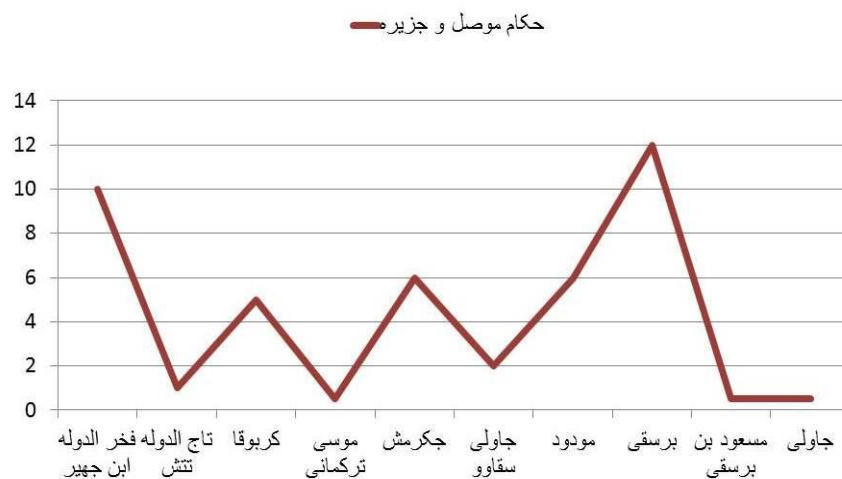
۵. حکام موصل

مهم ترین شهر شام در نزدیکی جزیره، حلب بود. این شهر به عنوان رابط سرزمین های شمال عراق با منطقه شام، اهمیت راهبردی فراوانی داشت. دولت بیزانس مدت زیادی بر سر این منطقه با فاطمیان در کشاکش بود. سلجوقیان برای مقابله با رقبای بیزانسی و فاطمی خود در شام، ابتدا حلب را تسخیر کردند.

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	فخر الدوله ابن جهیر	۴۷۷	۴۸۷	۱۰ سال
۲	تاج الدوله تتش	۴۸۷	۴۸۸	۱ سال
۳	کربوقا	۴۸۸	۴۹۵	۷ سال
۴	موسی ترکمانی	ذی القعدة ۴۹۵	ذی الحجه ۴۹۵	۱ ماه
۵	چکرمش قلیچ ارسلان (حاکم قونیه)	رجب ۵۰۰	ذی القعدة ۵۰۰	۵ سال
۶	جاوولی سقاوو	۵۰۰	۵۰۲	۲ سال
۷	مودود	۵۰۲	۵۰۷	۵ سال
۸	برسقی	۵۰۸	۵۲۰	۱۲ سال
۹	مسعود بن برسقی	۵۲۰	۵۲۱	۱ سال

حکومت های موصل و جزیره پس از مرگ تتش، از جمله قدرت های مؤثر در مبادلات سیاسی شام بودند. به سبب فضای آشفته سیاسی و ضعف غالب امرای این منطقه، زمینه دخالت قوای موصل و جزیره در شام فراهم شد و به طور طبیعی، اولین شهر از شام که به دست حکام موصل می افتاد، حلب بود. این شهر از سال ۵۱۸ق در دست حکام حلب قرار داشت (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ج ۱۰، ۶۲۳). در سال ۵۲۱ق، عمادالدین زنگی پس از تصرف جزیره، مناطق شمالی شام را تصرف کرد و از آن زمان تا سال ۵۶۹ق، سرزمین شام در تصرف اتابکان زنگی بود (همو: ج ۱۱، ۴۰۲). نفوذ حکام جزیره، به مناطق شمالی شام محدود نمی شد، بلکه

افراد قدرت‌مندی چون مودود بن التونتگین، حتی به دمشق نیز لشکرکشی کردند (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۹۸). از این‌رو مناسبات سیاسی شام، بسیار از اوضاع سیاسی جزیره متأثر بود. آشفتگی‌های این منطقه در عزل و نسب حکام به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر حکومت‌های شام تأثیر داشته است. از سال ۵۱۸ تا سال ۵۲۰ ق حلب جزو حکومت فرمانروایان موصل به شمار می‌رفت. از سال ۵۲۱ ق تا ۵۶۹ ق نیز به وضوح جزو حکومت اتابکان زنگی بود که تمامی شام و جزیره را در اختیار داشتند.



۶. اتابکان زنگی

حکومت اتابکان زنگی از سال ۵۲۱ ق با حکومت عمادالدین زنگی بر موصل آغاز شد. وی با استفاده از توان نظامی بالا، لشکریان مطیع و طرفداران زیاد در دربار سلطان سلجوقی، حکومت خود را تأسیس کرد (برای آگاهی بیشتر از روابط عمادالدین با سلجوقیان، نک: Belotto, 2014). بی‌ثباتی حکومت‌های شام در چند دهه، باعث شده بود او بتواند منطقه جزیره و شمال شام را به آسانی فتح کند. عمادالدین به مدت بیست سال در منطقه حکومت کرد و در تمامی جهات، قدرت خود را گسترش داد (نک: ابن‌اثیر، بی‌تا). از مهم‌ترین اقدامات وی که بعدها از سوی فرزندانش پی گرفته شد، از بین بردن حکومت‌های کوچک بود.

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	عماد الدین زنگی	۵۲۱	۵۴۱	۲۰ سال
۲	سیف الدین غازی بن زنگی	۵۴۱	۵۴۴	۴ سال
۳	نور الدین محمود بن زنگی	۵۴۴	۵۶۹	۲۵ سال

حکومت طولانی عمادالدین، این فرصت را برای وی فراهم آورد که فرزندانش به سن حکومت داری برسند و از قبل فتوحات نظامی پدر خود، راه و رسم جنگ جویی بیاموزند. مرگ عمادالدین در اثر حادثه‌ای در نبرد قلعه جعبر رخ داد (ابن اثیر، بی تا: ۸۵). نورالدین محمود - پسر دوم عمادالدین - که آن زمان همراه پدر بود، نگین پدر را از دستش خارج کرد و حلب را تصرف نمود (همو). سیف الدین غازی برادر بزرگتر وی جزیره را تسخیر کرد، اما کمی بعد دو برادر با یکدیگر کنار آمدند، به این معنا که نورالدین، سیادت سیف الدین را پذیرفت و برادر بزرگتر اجازه داد نورالدین حاکم وی در شام باشد (ابن اثیر، بی تا: ۸۵). عده‌ای این سال را سال تأسیس حکومت زنگیان شام دانسته‌اند (لین پول، ۱۳۸۹: ۱۴۵). از این زمان تا سه سال بعد یعنی ۵۴۴ق - سال وفات سیف الدین - (ابی شامه، ۱۹۹۷: ج ۱، ۲۲۷)، نورالدین تحت تابعیت برادر، شمال شام را در اختیار داشت. این انتقال قدرت پس از مرگ عمادالدین با کمترین چالش موجب شد زنگیان برخلاف حکومت‌های پیش از خود، از بی‌ثباتی کمتری برخوردار باشند. این انتقال امن قدرت موجب شد برنامه‌های عمادالدین توسط فرزندانش پی‌گیری شود.^۱ از این‌رو از سال ۵۲۱ تا ۵۶۹ق - سال وفات نورالدین محمود - سه حاکم در جزیره و شام حکومت کردند. این ثبات و تداوم برنامه‌های نظامی در دو نسل خاندان زنگی،

۱. برای مثال، می‌توان از ادامه نبرد سیف الدین با ارتقیان در جزیره و نبردهای نورالدین با حاکم رها، انطاکیه و طرابلس و آل بوری نام برد (برای آگاهی بیشتر، نک: ابن اثیر، ۱۹۶۵: ج ۱، ۱۲۳).

بی‌شک در دستاوردهای نظامی آنها علیه صلیبیان نیز بی‌تأثیر نبود.



حکومت‌های شیعی

۱. بنی‌عمار

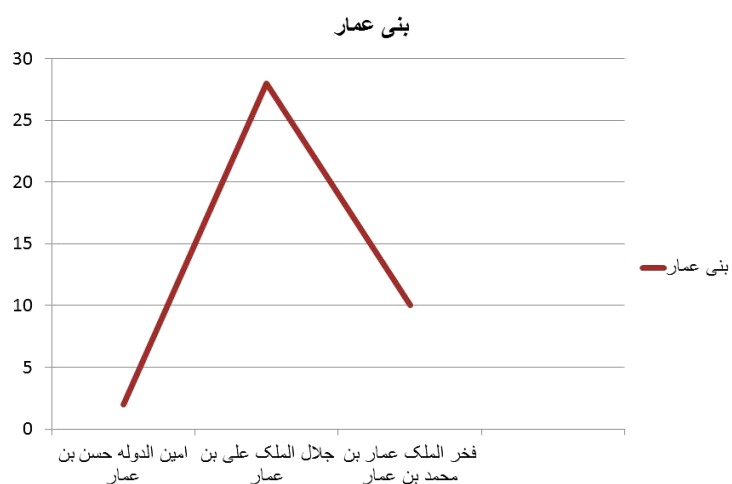
ابی‌الحسن بن‌عمار - وزیر کتامی دولت فاطمی - در سال ۴۶۳ق در طرابلس حکومتی تشکیل داد که ظاهراً تابع فاطمیان بود، اما با کوتاه شدن دست فاطمیان از شام، عملاً حکومتی خودمختار به شمار می‌رفت (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ج ۱۰، ۷۱). این حکومت به علت شرایط جغرافیایی مناسب خود^۱ توانست در برابر حملات سلجوقیان مقاومت کند و با استفاده از تفرقه‌های بین حکام سلجوقی، حکومت خویش را تداوم بخشد.^۲ حکومت بنی‌عمار در طرابلس تقریباً چهل سال به طول انجامید و در این مدت، تنها سه نفر بر آن حکومت کردند. اما محدود بودن سرزمین بنی‌عمار به شهری ساحلی، آنان را آسیب‌پذیر می‌کرد. اگرچه بنی‌عمار توانستند با سیاستمداری تحت سلطه سلجوقیان نروند و استقلال خود را حفظ کنند، اما هنگامی که با قوای صلیبیان در دریا و خشکی روبه‌رو شدند، با وجود مقاومت طولانی‌مدت، در سال ۵۰۲ق شهر به دست صلیبیان افتاد (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۶۱). از دست رفتن این شهر، زیانی بزرگ برای

۱. منطقه طرابلس از سه طرف با دریا محصور شده و تنها از سمت شرق به خشکی‌های شام متصل است.
۲. از آن جمله می‌توان به تعامل جلال‌الملک با قسیم‌الدوله آق سقر در سال ۴۸۵ق اشاره کرد (نک: ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ج ۱۰، ۲۰۳).

مسلمانان شام به شمار می‌رفت؛ چرا که به تأسیس کنت‌نشین صلیبی طرابلس انجامید.

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	ابو طالب امین الدوله بن عمار	۴۶۳	۴۶۴	۲ سال
۲	جلال الملک حسن بن عمار	۴۶۴	۴۹۲	۲۸ سال
۳	فخر الملک عمار بن محمد بن عمار	۴۹۲	۵۰۲	۱۰ سال

حکام بنی‌عمار مدت‌زیادی با ثبات داخلی حکومت کردند و از این‌رو توانستند به جایگاهی مهم برای اهل دانش شام تبدیل شوند؛ اما محدودهٔ اندک حکومت آنان در کنار سایر حکومت‌های کوچک منطقه، باعث تشکیک قوای منطقه گردید.

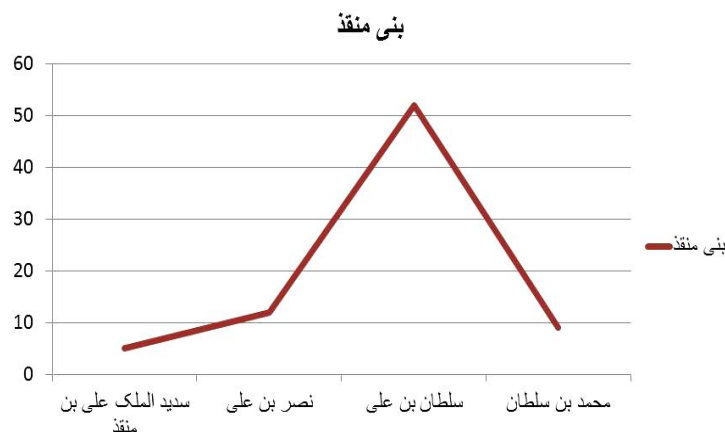


۲. بنی منقذ

بنی منقذ از قبیله کنانه بودند که در سال ۴۷۴ق توانستند بر قلعه راهبردی شیزر مسلط شوند. این حکومت بیشترین مدت را بین دول مذکور عمر کرد و در مدت ۷۸ سال (۴۷۴ - ۵۵۲ق) تنها چهار حاکم بر این سرزمین مسلط بودند (ابن عدیم، بی تا: ج ۱، ۴۷۶؛ طبایح، ۱۴۰۸: ج ۲، ۳۱). انتقال قدرت در این خاندان با در دسر کمی همراه بود. تنها حاکم سوم آن، سلطان بن علی که ۵۲ سال حکومت کرد از طریق وراثت به قدرت نرسیده بود. این حکومت از سال ۵۳۱ق دچار اختلافات داخلی شد، اما این اختلافات نبود که به از میان رفتن حکومت آنان انجامید؛ بلکه زلزله بزرگ شام در سال ۵۵۲ق موجب ویرانی قلعه شیزر و تسلط نورالدین محمود زنگی بر آن شد. در این زلزله غالب اعضای این خاندان از بین رفتند. موقعیت راهبردی شیزر باعث شد این حکومت جایگاهی ویژه داشته باشد. پیش از تشکیل اتابکان زنگی، بنی منقذ با استفاده از فضای آشفته آن زمان، قدرت خود را تثبیت کردند. با تشکیل حکومت اتابکان زنگی و از بین رفتن قوای کوچک منطقه، صلیبیان و زنگیان، از ترس پیوستن حکومت شیزر به رقیب خود از حمله به آن خودداری کردند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ج ۱۱، ۲۱۹).

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	سدید الملک علی بن منقذ	۴۷۴	۴۷۹	۵ سال
۲	نصر بن علی	۴۷۹	۴۹۱	۱۲ سال
۳	سلطان بن علی	۴۹۱	۵۴۳	۵۲ سال
۴	محمد بن سلطان	۵۴۳	۵۵۲	۹ سال

این حکومت مانند بنی‌عمار، از ثبات داخلی زیادی برخوردار بود، اما قدرتی ضعیف به شمار می‌رفت که منطقه‌ای کوچک را در اختیار داشت و این امر بی‌شک در تشنج فضای سیاسی و عدم مرکزیت در شام مؤثر بود.



تعداد حکومت‌های شام از سال ۴۷۰ تا ۵۶۹

در بازه زمانی ۴۷۰ تا ۵۶۹ق، ۱۲ حکومت با ۳۹ حاکم در منطقه شام فرمانروایی کردند. تعداد حکومت‌های هم‌زمان در سال‌های ۴۷۰ تا ۴۹۰ق رو به افزایش بود و با گذر زمان، از تعدادشان کاسته شد تا سرانجام این منطقه زیر سایه اتابکان زنگی متحد گردید.^۱ نکته مهم آن است تا پیش از حمله صلیبیان، همواره بر تعداد این حکومت‌ها افزوده می‌شد، به گونه‌ای که در نیمه دوم دهه‌های هفتاد و هشتاد قرن پنجم هجری، هفت حکومت در این منطقه حضور داشتند. در نتیجه با وجود این تشتت قدرت و تعویض زود هنگام حکام آنها، مسلمانان نتوانستند در مقابل صلیبیان اقدامی منسجم به عمل آورند.

از میان حکومت‌های یادشده، تنها بنی‌منقذ با ۱۹ سال و ۶ ماه، بنی‌عمار با ۱۳ سال و ۳ ماه و اتابکان زنگی با ۱۶ سال و ۳ ماه به طور میانگین بیشترین طول دوران

۱. با ازمیان رفتن آل بوری و بنی‌منقذ، شامات به کلی زیر نفوذ اتابکان زنگی درآمد و تنها قسمت‌هایی از سواحل شرقی مدیترانه در دست صلیبیان باقی ماند.

فرمانروایی را داشتند و فرمانروایان باقی این حکومت‌ها به طور میانگین، کمتر از ده سال حکومت کردند که این امر، آشفتگی آن واحد سیاسی را به دنبال داشت. بنی‌منقذ تنها بر قلعه راهبردی شیرز حاکم بودند. از این‌رو حفظ این قلعه برای آنها راحت‌تر از حفظ یک حکومت وسیع بود و بدین سبب، مدتی طولانی بر آن حاکم بودند. بنی‌عمار نیز تنها در طرابلس حکومت داشتند. از این‌رو تنها امیران زنگی توانستند به طور میانگین بیش از ده سال بر مناطقی وسیع از شام حکومت کنند. حکومت‌های سلجوقی مستقل شام نیز بعد از سه حکومت یادشده با طول فرمانروایی میانگین نه سال و سه ماه، مدتی نسبتاً باثبات را گذراندند. اگرچه باید مد نظر داشت این سه نفر بدون جانشین بودند و حکومت آنان با مرگشان از بین رفت.

ردیف	نام حکومت	سال آغاز (هجری قمری)	سال پایان (هجری قمری)	مدت حکومت
۱	سلجوقیان شام (بزرگ)	۴۷۱	۴۸۷	۱۶ سال
۲	سلجوقیان شام (حلب)	۴۸۸	۵۱۱	۲۳ سال
۳	سلجوقیان شام (دمشق)	۴۸۸	۴۹۷	۹ سال
۴	قسیم الدوله آق سنقر	۴۷۹	۴۸۷	۸ سال
۵	امیر بوزان	۴۷۹	۴۸۷	۸ سال
۶	امیر یاغیسیان	۴۷۹	۴۹۱	۱۲ سال
۷	آل بوری	۴۹۷	۵۴۹	۵۲ سال
۸	ارتقیان حلب	۵۱۱	۵۱۹	۸ سال
۹	حکام موصل	۴۷۷	۵۲۱	۴۴ سال
۱۰	اتابکان زنگی	۵۲۱	۵۶۹	۴۸ سال
۱۱	بنی‌منقذ	۴۷۴	۵۵۲	۷۸ سال
۱۲	بنی‌عمار	۴۶۲	۵۰۲	۴۰ سال

حکام مناطق شمالی شام، میانگین طول حکومت کمتری نسبت نواحی جنوبی داشتند. ارتقیان حلب با یک سال و ده ماه و حکام موصل با چهار سال و ده ماه، دارای کمترین میانگین حکومت بودند. جدول زیر نشان دهنده میانگین دوران فرمانروایی حکومت‌های شام است.



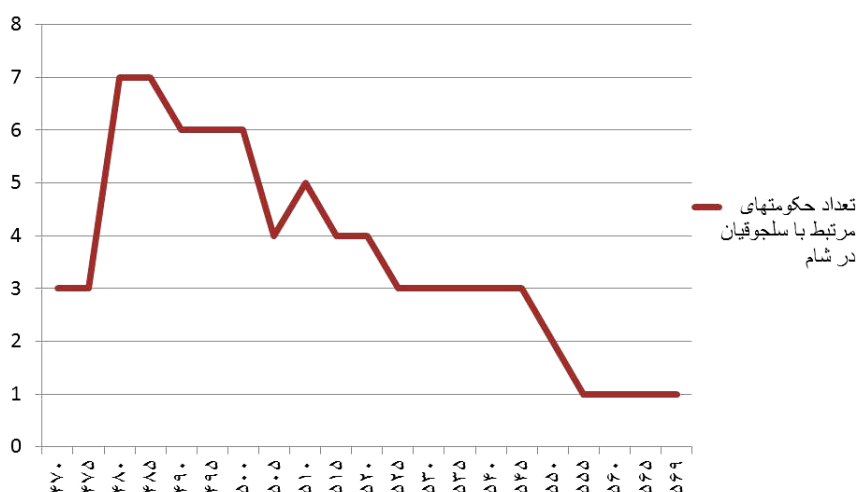
ردیف	نام حکومت	تعداد حکام	سال آغاز (هجری قمری)	سال پایان (هجری قمری)	مدت حکومت	میانگین سالیهای حکومت
۱	سلجوقیان شام	۶	۴۷۱	۵۱۱	۴۸ سال	۸ سال و ۲ ماه
۲	امیران سلجوقی مستقل شام	۳	۴۷۹	۴۹۱	۱۲ سال	۹ سال و ۳ ماه
۳	آل بوری	۶	۴۹۷	۵۴۹	۵۲ سال	۸ سال و ۶ ماه
۴	ارتقیان حلب	۴	۵۱۱	۵۱۹	۸ سال	۱ سال و ۱۰ ماه
۵	حکام موصل	۹	۴۷۷	۵۲۱	۴۴ سال	۴ سال و ۱۰ ماه
۶	اتابکان زنگی	۳	۵۲۱	۵۶۹	۴۸ سال	۱۶ سال و ۳ ماه
۷	بنی منقذ	۴	۴۷۴	۵۵۲	۷۸ سال	۱۹ سال و ۶ ماه
۸	بنی عمار	۳	۴۶۲	۵۰۲	۴۰ سال	۱۳ سال و ۳ ماه

تعدد حکومت‌ها و عوض شدن زود هنگام فرمانروایان آنها موجب تشتت قدرت گردید. تشتت سیاسی حاکم بر منطقه سبب شد قوای حکومت‌های اسلامی به حذف یکدیگر پردازند؛ اما این امر، تجمع قدرت‌های باقی‌مانده زیر یک چتر واحد را به دنبال نداشت و باعث تحلیل قوای مسلمانان در جنگ‌های داخلی شد. از سال ۴۷۱ تا ۵۲۱ ق حدود ۲۵ حاکم، بدون احتساب حکام موصلی - که به اعمال قدرت در شام پرداختند - در این منطقه به قدرت رسیدند که به طور میانگین در این پنجاه سال، هر حاکم حدود دو سال حکومت کرده است؛ در حالی که پس از سال ۵۲۱ تا ۵۶۹ ق، تنها ۴ نفر در این منطقه به حکومت رسیدند که به طور میانگین هر یک از آنان پنج سال و چند ماه حکومت کردند. این تضعیف قوا تا سال ۵۲۱ ق چند نتیجه به دنبال داشت:

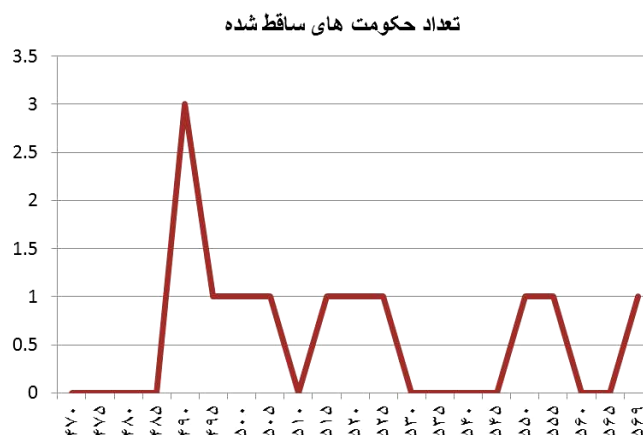
۱. باعث تثبیت موقعیت صلیبیان در شام شد؛
 ۲. سبب رونق قوای نظامی شام و ملیتاریسم شدن منطقه گردید؛
 ۳. زمینه را برای ایجاد قدرت برتر منطقه فراهم آورد.
- به قدرت رسیدن شخصیتی قوی و جنگ‌جو مانند عمادالدین زنگی در سال ۵۲۱ ق مصادف با شرایطی بود که حکومت‌های شام در درگیری‌های داخلی و جنگ با صلیبیان و نیز رفت و آمد حکام فرسوده شده بودند. از این رو وی توانست با از میان برداشتن

این حکومت‌های تضعیف شده، برای زنگیان شرایطی مساعد فراهم آورد. از بین بردن قوای کوچک منطقه، ثباتی نسبی به وجود آورد. حکومت بلندمدت عمادالدین (۵۲۱ - ۵۴۱ق) سبب شد فرزندان وی به رشد کافی برسند و از طریق وراثت، قدرت را پس از وی به دست گیرند. انتقال قدرت بدون تشتت از عمادالدین به سیف‌الدین و سپس به نورالدین - دیگر فرزند عمادالدین - موجب شد زنگیان با چالش‌های سایر حکومت‌های پیش از خود روبه‌رو نباشند. از این‌رو حکومت زنگیان توانست نسبت به سایر حکومت‌های منطقه اعم از صلیبیان و مسلمانان، برنامه‌ای واحد در پیش گیرد. از این‌رو با مرگ عمادالدین، فرزندان وی به نوبت توسعه سرزمینی وی را پی گرفتند که سرانجام به ایجاد حکومت سیاسی یکپارچه در جزیره، شام و مصر انجامید. حکومت باثبات زنگیان، دستاوردهایی قابل ملاحظه نیز در برابر صلیبیان داشت که بازپس‌گیری رها و تصرف مصر در زمان حمله قوای صلیبیان به آن سرزمین، از آن جمله بود. این ثبات حکومتی و دور شدن از فضای هرج و مرج، باعث شد صلاح‌الدین ایوبی نیز پس از مرگ نورالدین بتواند با الگوی زنگیان و با دردسر کمی شام را فتح کند. در واقع می‌توان گفت تشکیل دولت ایوبی، برآمد ثبات زنگیان بود.

تعداد حکومت‌های مرتبط با سلجوقیان در شام



از سال ۴۷۰ تا به قدرت رسیدن اتابکان زنگی در سال ۵۲۱ق، هشت حکومت در منطقه شام از بین رفته بودند. سه حکومت نیز به دست اتابکان زنگی از بین رفتند و منطقه زیر سایه حکومتی یکپارچه درآمد. اتابکان زنگی با از بین بردن آخرین حکومت‌های ضعیف منطقه با قدرت‌های مجاور هم‌مرز شدند که از چندی پیش در صدد نفوذ در شام بودند؛ از آن جمله می‌توان به سلجوقیان روم اشاره کرد (برای آگاهی بیشتر، نک: فروزانی و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۶۹ - ۱۸۷).



نتیجه‌گیری

یازده حکومتی که از سال ۴۷۱ تا ۵۲۱ق در شام حضور داشتند، درگیری‌هایی خونین به ارمغان آوردند که به تضعیف و حذف تدریجی آنها انجامید. رقابت‌های سیاسی و نظامی، توانشان را تحلیل برد و حذف قدرت‌های کوچک موجب شد امکان ایجاد حکومتی مقتدر در منطقه فراهم آید. از این رو هنگامی که عمادالدین زنگی در سال ۵۲۱ق به معادلات سیاسی این منطقه وارد شد، توانست این حکومت‌های تضعیف شده را یکی پس از دیگری از بین ببرد و در مدت بیست سال حکومت خود، شرایط را برای جانشینی فرزندان خود فراهم آورد که پس از وی تا سال ۵۶۹ق توانستند حکومتی با ثبات در منطقه ایجاد نمایند. دولت زنگیان در مدت ۴۸ سال تنها سه حاکم به خود دید و توانست جزیره، شام و مصر را زیر سلطه خود درآورد. افزون بر تعداد حکومت‌ها، غالب حکومت‌های منطقه در دوره زمانی یاد شده - به جز بنی‌منقذ،

بنی‌عمار و اتابکان زنگی - کمتر از ده سال حکومت کردند که این امر خود بی‌ثباتی سیاسی به دنبال آورد. از این میان نیز دو حکومت بنی‌منقذ و بنی‌عمار تنها بر یک قلعه و یک شهر حاکم بودند و توانستند مدتی قابل توجه حکومت کنند. از این‌رو هرچه از سال ۴۷۱ به اوج حکومت اتابکان زنگی در سال ۵۶۹ نزدیک می‌شویم، تعداد حکومت‌های منطقه کمتر و آمد و شد فرمانروایان نیز اندک می‌شود. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت تعدد حکومت‌های شام و مدت‌زمان اندک حکومت حکام آنها، یکی از علل بی‌ثباتی سیاسی شام به شمار می‌رفت. از این‌رو بین تعداد حکومت‌ها و سال‌های فرمانروایی حاکمان آنها، با ثبات سیاسی منطقه رابطه‌ای معکوس وجود دارد. بدین ترتیب فرضیه این پژوهش طبق داده‌های یاد شده تأیید می‌گردد.

پیشنهاد می‌شود برای آزمایش مجدد این فرضیه، ادوار تاریخی دیگر شام مانند دوره پس از حکومت العادل ایوبی بررسی شود که در شرایط تشتت و وحدت ثبات سیاسی و در گام بعد دستاوردهای آن، مورد آزمایش قرار گیرد.

منابع

- ابن اثیر جرزى، على بن محمد بن محمد (۱۹۶۵م)، *الكامل فى التاريخ*، بيروت، دار صادر.
- _____ (بى تا)، *التاريخ الباهر فى الدولة الاتابكية بالموصل*، تحقيق: عبدالقادر احمد طليمات، قاهره، دارالكتب الحديثة.
- ابن عديم العقيلي، عمر بن احمد (۱۹۹۶م)، *زبدة الحلب فى تاريخ حلب*، تحقيق: خليل المنصور، بيروت، دارالكتب العلمية.
- _____ (بى تا)، *بغية الطلب فى تاريخ حلب*، تحقيق: سهيل زكار، بى جا، دارالفكر.
- ابن عساكر، على بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاريخ مدينة دمشق*، تصحيح: على شيرى، بيروت، دارالفكر.
- ابن قلانسى، أبويعلى حمزة بن أسد بن على بن محمد (۱۹۸۳م)، *تاريخ دمشق لابن القلانسى*، تحقيق: سهيل زكار، دمشق، دار حسان للطباعة والنشر.
- ابن كثير دمشقى، ابوالفداء اسماعيل بن عمر (۱۹۸۶م)، *البدایة والنهاية*، بى جا، دارالفكر.
- ابن واصل، جمال الدين بن سالم (۱۳۸۳ش)، *تاريخ ابيريان*، ترجمه: پرويز اتابكى، تهران، علمى و فرهنگى.
- ابى شامه، شهاب الدين عبدالرحمن (۱۹۹۷م)، *عيون الروضتين فى اخبار الدولتين النورية والصلاحية*، تصحيح: ابراهيم الزبيق، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- اصفهاني، عمادالدين محمد بن محمد بن حامد (۲۰۰۴م)، *تاريخ دولة آل سلجوق*، تصحيح: يحيى مراد، بيروت، دارالعلمية.
- باسورث، ادموند كليفورد (۱۳۸۱ش)، *سلسله‌هاى اسلامى جديد؛ راهنماى گاه‌شمارى و تبارشناسى*، ترجمه: فريدون بدره‌اى، تهران، مركز باستان‌شناسى اسلام و ايران.
- بندارى اصفهاني، فتح بن على (۲۵۳۶ شاهى)، *تاريخ سلسله سلجوقى*، ترجمه: محمدحسين جليلى، تهران، بنياد فرهنگ ايران.
- رانيسمان، استيون (۱۳۸۶ش)، *تاريخ جنگ‌هاى صليبي*، ترجمه: منوچهر كاشف، تهران،

انتشارات علمی و فرهنگی.

- ضامن، محمد (۱۹۸۸م)، «من تاریخ حلب حکم قسیم الدوله آق سنقر ۴۷۹ - ۴۸۷ق»، *دراسات التاريخية*، ۱۰۱۶ - ۱۰۹۴م، شماره ۲۹ و ۳۰، آذار - حزیران.
- طبّاخ، محمد راغب (۱۴۰۸ق)، *إعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء*، حلب، دارالقلم.
- الغزى البالى، کامل بن حسین (۱۴۱۹ق)، *نهر الذهب فى تاريخ حلب*، حلب، دارالقلم.
- فروزانى، سید ابوالقاسم؛ مهدى محمدى قناتغستانی (۱۳۹۰ش)، «بررسى روابط سیاسى نظامى صلاح الدین ایوبى با قلیچ ارسلان دوم»، *فصلنامه علمى - پژوهشى تاریخ اسلام*، سال دوازدهم، شماره ۴.
- لىن پول، استانلى (۱۳۸۹ش)، *طبقات سلاطین اسلام*، ترجمه: عباس اقبال، تهران، اساطیر.
- مؤمنى، محسن و همکاران (۱۳۹۲ش)، «ماهیت ترکمانان عراقى و رابطه آنان با ترکمانان سلجوقى»، *فصلنامه علمى - پژوهشى پژوهش‌های تاریخی*، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم شماره دوم (پیاپی ۱۸)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- نیشابورى، ظهیرالدین (۱۳۳۲ش)، *سلجوق‌نامه*، تهران، خاور.
- Belotto, Nicholas D (2014), *POWER AND LEGITIMACY IN THE MEDIEVAL MUSLIM WORLD: THE CAREER OF IMAD AL-DIN ZENGI (1085-1146)*, Boca Raton, Florida, Florida Atlantic University.
- Diebolt, Claude and Hauptert, Michael (2015), *Cliometrica after 10 years: definition and principles of cliometric research*, Berlin, Springer-Verlag Berlin Heidelberg.